



درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فیما یحرم علی الجنب

موضوع جزئی: وجوب تیمم بر جنب، برای برداشتن آب از مسجد

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

تاریخ: ۹ خرداد ۱۴۰۰

مصادف با: ۱۸ شوال ۱۴۴۲

جلسه: ۹۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۶۵۹ بود. در جلسه گذشته سؤالی مطرح شد و آن، اینکه اگر شخص جنب بخواهد برای اخذ آب داخل مسجد الحرام یا مسجد النبی شود یا بخواهد برای غسل کردن، در سایر مساجد [غیر مسجد الحرام و مسجد النبی] توقف کند، آیا لازم است که قبل از دخول در مسجد، تیمم کند یا لازم نیست که تیمم کند؟

نظر مرحوم سید (ره) در جلسه گذشته ذکر شد. مرحوم آیت الله خویی (ره) بر این قول اشکالی را وارد کرد و فرمود که تیمم به دو جهت واجب می شود و هر دو جهت مشکل دارد، جهت اول، این است که غایت تیمم، نماز با طهارت مائیه است، یعنی تیمم از باب مقدمیت برای مقدمه واجب [وجوب غسل برای نماز]، واجب است، لکن این جهت مشکل دارد زیرا منجر به دور می شود و دور، باطل است. جهت دوم، این است که غایت تیمم، دخول در مسجد باشد. این جهت نیز مشکل دارد زیرا اگر دخول در مسجد، غایت مشروعی برای تیمم باشد نباید بر شخص جنب که با تیمم داخل مسجد شده است، واجب باشد که نسبت به خروج از مسجد مبادرت ورزد و نباید مکث و توقف او در مسجد به مقدار بیشتر از نیاز، ممنوع باشد، در حالی که حکم این است که شخص به محض دسترسی به آب یا باید سریع غسل کند یا اینکه سریع آب را بردارد و از مسجد خارج شود، همچنین، اگر دخول در مسجد، غایت تیمم باشد، شخص باید بتواند در اول وقت نیز با تیمم داخل مسجد شود، هر چند که بداند که در وقت، تمکن از غسل پیدا خواهد کرد، در حالی که حکم این است که در این فرض، شخص مجاز به دخول در مسجد با تیمم نیست.

پس صحیح این است که گفته شود که شخص، چون تمکن از آب ندارد، وظیفه اش این است که برای نماز خواندن تیمم بگیرد و نمازش را با تیمم بخواند، نه اینکه گفته شود که بر او واجب است که تیمم کند و داخل مسجد شود و آبی را که در مسجد است، بردارد و از مسجد خارج شود و سپس غسل کند و نمازش را با طهارت مائیه بخواند یا اینکه اگر امکان غسل کردن در خود مسجد فراهم بود، غسل کند و نمازش را با طهارت مائیه بخواند.

پاسخ از اشکال مرحوم آیت الله خویی (ره)

در پاسخ از کلام مرحوم آیت الله خویی (ره)، در رابطه با لزوم دور، شاید بتوان گفت که شخص جنب در فرض مورد بحث، فاقد آب محسوب نمی شود، بلکه با دخول در مسجد به آب دسترسی پیدا می کند و واجد آب می شود و تمکن از آب دارد، لکن تمکنش نسبت به آب، غیر مستقیم است که نخست باید تیمم کند تا بتواند در مسجد داخل شود و سپس آب را بردارد و غسل کند و شاید منظور مرحوم سید (ره) [که فرموده است که بر شخص جنب واجب است که تیمم کند و داخل مسجد شود و بعد از دسترسی به آب یا در مسجد غسل کند [اگر امکان غسل کردن باشد] یا آب را بردارد و از مسجد خارج شود و در خارج از مسجد غسل کند]، نیز همین مطلب است که شخص با دخول در مسجد تمکن از آب پیدا می کند و واجد آب می شود و فاقد آب نیست، پس مانعی

نیست که گفته شود که واجب است که شخص برای دخول در مسجد برای برداشتن آب، تیمم کند و داخل مسجد شود و آب را بردارد و سپس غسل کند و نمازش را با طهارت مائیه بخواند.

بیان دو فرع

فرع اول، اگر شخص جنب، به خاطر وجود آب در مسجد، به آب دسترسی نداشته باشد و در خارج از مسجد برای نماز خواندن، تیمم کند و به طهارت چنین فردی حکم شود [چون تیمم بدل از غسل است]، آیا می‌تواند با تیممی که گرفته است داخل مسجد شود یا نمی‌تواند؟

به نظر می‌رسد که دخول در مسجد در فرض مذکور، جایز نیست زیرا اگر در فرض مذکور، پذیرفته شود که دخول در مسجد با تیمم جایز است، عدم جواز لازم می‌آید، یعنی از وجودش، عدمش لازم می‌آید زیرا اگر در فرض مذکور، شخص به خاطر اینکه تیمم دارد، مجاز به دخول در مسجد باشد و داخل در مسجد شود، تمکن از آب پیدا خواهد کرد و واجد آب خواهد شد، در نتیجه تیمم او باطل خواهد شد و مقتضای بطلان تیمم، این است که حق ماندن در مسجد را ندارد چون تیمم با دسترسی به آب نقض شده است، بنابراین، از جواز دخول در مسجد؛ با تیمم، عدم جواز لازم می‌آید، پس قول به جواز دخول، مستلزم عدم جواز است و آنچه از وجودش، عدمش لازم بیاید، محال است، در نتیجه بر چنین تیممی جواز دخول در مسجد مترتب نمی‌شود.

مرحوم آیت الله خویی (ره) برای این مطلب که از جواز دخول، عدم جواز دخول لازم می‌آید به آیه شریفه ذیل استناد کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنْبًا إِلَّا غَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا...»^۱.

ایشان فرموده است که در این آیه، غایت، حصول اغتسال قرار داده شده است، به این معنا که جنب حق دخول و توقف در مسجد را ندارد مگر اینکه بخواهد از مسجد عبور کند، تا اینکه غسل کند که در این صورت، دخول در مسجد جایز خواهد بود. غایت، اغتسال است و مقتضای آن، این است که برای شخص جنب، مکث در مسجد جایز نیست مگر اینکه بخواهد در مسجد غسل کند. بنابراین، غایت، اغتسال است و تیمم، غایت نیست مگر اینکه دخول شخص در مسجد به خاطر یک امر مهمی باشد که اهمیت آن از مسأله دخول در مسجد در حال جنابت، مهمتر باشد، مثل اینکه بچه‌ای در حوض مسجد در حال غرق شدن باشد که در این صورت، جنب می‌تواند داخل مسجد شود و او را نجات دهد یا اینکه مسجد آتش گرفته باشد و شخص برای خاموش کردن آتش با حالت جنابت داخل مسجد می‌شود. نتیجه اینکه، اطلاق آیه مذکور، بر این دلالت دارد که وظیفه شخص جنب این است که غسل کند و سپس داخل مسجد شود و در مسجد توقف کند؛ چه از قبل تیمم کرده باشد و چه از قبل تیمم نکرده باشد مگر اینکه گفته شود که صرف دسترسی به آب، به این معنا نیست که شخص، واجد آب شده است، تا به بطلان تیمم او حکم شود و لذا به صرف دسترسی به آب، تیمم باطل نمی‌شود، بلکه تیمم در دو مورد باطل می‌شود؛ اول، اینکه شخص آب را بردارد و از مسجد خارج شود و دوم، اینکه شخص بعد از دسترسی به آب در مسجد، در همان جا غسل کند که بعد از غسل، تیمم او باطل می‌شود.

فرع دوم، این است که اگر شخص جنب، به خاطر جراحت یا بیماری، برای خواندن نماز تیمم کند، آیا مجاز است که با تیمم در مسجد داخل شود و در مسجد توقف کند یا مجاز نیست؟

ظاهر کلمات اصحاب این است که برای شخص مذکور، دخول در مسجد و توقف در مسجد جایز است و گفته‌اند که در رابطه با این مسأله اختلافی نیست، لکن به نظر می‌رسد که این مسأله قابل مناقشه است زیرا گاهی حکم حرمت، بر عنوان حدث و عدم طهارت مترتب می‌شود، مثل حرمت مس کتابت قرآن که بر عنوان حدث و عدم طهارت مترتب شده است.

۱. «النساء»: ۴۳.

در بعضی از روایات نیز بر عدم جواز مس کتاب خدا؛ با حالت جنابت، به آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^۱ استشهاد شده است؛
عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (ع)؛ قَالَ: «الْمُصْحَفُ لَا تَمَسُّهُ عَلَى غَيْرِ طَهْرٍ وَلَا جُنْبًا وَلَا تَمَسُّ خِطَّةً وَلَا تُلَقِّهُ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ: "لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ"»^۲.

معنای روایت مذکور، این است که حکم حرمت، بر عدم طهارت مترتب شده است، پس جواز مس، بر طهارت و عدم حدث مترتب می شود و حرمت بر حدث و عدم طهارت مترتب است.

همچنین، وجوب صلاة بر طهارت از حدث متوقف است. در روایت آمده است: عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْوَرٍ»^۳.

اگر مکلف، متمکن از وضو یا غسل نبود و بدل از طهارت مائیه، تیمم کرد، احکام مترتبه بر حدث و عدم طهارت از او مرتفع می شود، پس می تواند نوشته کتاب خدا را مس کند و در مسجد داخل شود، چون تیمم از شخص محدث، رفع حدث می کند و موجب طهارت می گردد. نهایت اینکه رفع حدث تا زمانی است که شخص، متمکن از آب نباشد و نسبت به آب، معذور باشد و اینکه گفته شود که تیمم فقط مجوز برای نماز خواندن است و طهارت آور نیست، صحیح نیست چون ممکن نیست که کسی ملتزم به این شود که شخصی که تیمم کرده است، محدث است ولی از باب تخصیص در ادله اشتراط طهارت برای نماز، برای او جایز است که نماز بخواند چون خود تیمم، طهارت آور است و نیازی به تخصیص مذکور نیست.

اما گاهی حکم، بر عنوان جنابت مترتب است و بر عنوان حدث و عدم طهارت مترتب نیست و ما نحن فیه (دخول جنب در مسجد) از این قبیل است، یعنی شخص جنب نمی تواند در مسجد داخل شود و بر شخص جنب حرام است که داخل مسجد شود، نه اینکه بر محدث به حدث جنابت، دخول در مسجد حرام باشد. خداوند متعال نیز در قرآن فرموده است: «وَلَا جُنْبًا إِلَّا غَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا...» و نفرموده است: «وَلَا مُحَدَّثًا إِلَّا غَابِرِي سَبِيلٍ...»، در این گونه موارد، سؤال این است که آیا احکامی که بر عنوان جنابت مترتب بوده است با تیمم رفع می شود یا رفع نمی شود؟ پاسخ این است که احکام مترتب بر عنوان جنابت، با تیمم رفع نمی شوند چون تیمم، رافع حدث است و موجب طهارت است و رافع جنابت نیست، چون شخص جنب، متطهر است و جنب غیر محدث است، نه اینکه جنب نباشد، بلکه جنب است، لکن طهارت دارد و محدث به حدث نیست و مانع نیز وجود دارد چون مانع عبارت از این است که با وجدان آب، جنابت برمی گردد، در صورتی که اگر تیمم، رافع جنابت باشد نباید با دسترسی به آب، جنابت برگردد ولی از اینکه با دسترسی به آب، تیمم نقض می شود، فهمیده می شود که تیمم، رافع جنابت نیست. پس با توجه به اینکه سبب جنابت دو چیز است که عبارت از جماع و انزال می باشند و وجدان آب، سبب جنابت نیست، برای شخصی که تیمم کرده است، جایز نیست که داخل مسجد شود چون جنب است و با تیمم، جنابت او رفع نمی شود.

در رابطه با میت نیز این گونه آمده است که اگر غسل میت به خاطر نبودن آب یا جراحتی که در بدن میت است، ممکن نباشد و او را تیمم بدهند، مس میت بعد از تیمم دادن او، موجب لزوم غسل مس میت می شود چون وجوب غسل مس میت بر عنوان میتی مترتب شده است که بدنش سرد شده است و غسل داده نشده است و تیمم دادن آن میت، عنوان میتی که غسل داده نشده است را عوض نمی کند لذا مس آن میت که بدنش سرد شده و به خاطر عذر، تیمم داده شده است، موجب لزوم غسل مس میت می شود.

۱. «الواقعة»: ۷۹.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۱۲، ص ۳۸۴، ح ۳.

۳. همان، باب ۱، ص ۳۶۵، ح ۱.

پس با توجه به اینکه تیمم فقط رافع حدث است و موضوع را برنمی‌دارد، مسّ آن میّتی که تیمم داده شده است، موجب لزوم غسل مسّ میت می‌شود.

«الحمد لله رب العالمین»